

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴، چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

ما چه می گوئیم:

دست آوردهای انقلاب را باید تحکیم کرد

انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران توانسته است رژیم شاه، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، رژیم جنایت کار، غارتگر و فاسد را سرنگون کند و به تسلط غارت گرانه و رازخانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بر زمین مآثرات سنگین وارد سازد. اینها دستاوردهای انقلاباند. ولی این هنوز

اساسی دارد که بازتابی است از واقعیت مرحله کنونی انقلاب ایران. نخست آن که می باید دستاوردهای انقلاب ایران را تحکیم کرد. دیگر اینکه می باید جامعه را از نو ساخت. در این نته هم نباید تردیدی باشد که نوسازی جامعه، در کزو تحکیم دستاوردهای انقلاب است. لذا نخستین مسئله اینست که دستاوردهای انقلاب چیست و چگونه می توان و باید آنرا تحکیم کرد؟

نیروهای ملی و دمکراتیک، ما خواهیم کوشید نکات مختلف این برنامه را، که در معرض قضاوت افکار عمومی هم میهنان، قرار گرفته است، به تدریج تشریح کنیم و ضمناً آماده ایم به پرسشهای احتمالی پاسخ دهیم.

*

برنامه پیشنهادی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق دو خصلت

بقیه در صفحه ۴

ما عمیقاً نگرانیم

سواک حسن استناده کرد. مجموعه آنچه که سخنگوی دولت در باره سواک بیان کرد عجیب و مدس است. اثر آنچه گفته شده، اجرا نمود سواک بازسازی می شود. دست دردمانی که مردم زجر کشیده ایران بخواهستار ویران کردن کامل سواک و نارومار

باید استناده کرد!!
امیرانتظام ادعا کرد که قانون حفظ امنیت اجتماعی نه سازمان امنیت و اطلاعات کشور - سواک - بر مبنای آن تشکیل شده در آغاز به قصد مبارزه با جاسوسان خارجی بوده ولی در عمل مورد سوء استفاده قرار گرفته است. بسنر سخنگوی دولت موقت می توان از این قانون و از همه تاسیسات و دستگاههای

روز پنجشنبه، دست در آستانه رفتاندم، امیرانتظام سخنگوی دولت مطلب بسیار مهمی گفت که بعد از تصادف در میان انبوه خبرها کم شد. امیرانتظام گفت که یک گروه سمنری مأمور تسویه امور سواک شده اند. سخنگوی دولت اسامی این سمن را ذکر نکرد ولی توضیح داد که سواک وسایل و دستگاههای معمومی دارد که میلیاردها دلار می ارزد. از این وسایل

بقیه در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیروزی بزرگ مردم ایران

مردم ایران پیروزی بزرگی را که طی نبردهای دشوار و خونین انقلابی کسب کرده بودند با رأی مثبت خویش در فرآیند تثبیت کردند. خیرهایی که تاکنون رسیده تعداد رأی دهندگان را بیش از ۱۸ میلیون و آراء مثبت به جمهوری اسلامی را - که قانون اساسی آن با رأی مردم تصویب خواهد شد - ۹۸ درصد قید کرده است. این یک پیروزی عظیم و قدرت نمائی نوین نیروی متحد خلق است.

اتفاق نظر بی سابقه ای که در طول نبرد انقلابی وجود داشت و در فرآیند یکبار دیگر تجلی کرد، نشانه وجود خواستهای مشترکی است که مردم زحمتکش ایران را صرف نظر از تفاوت های ملی، مذهبی و عقیدتی بهم پیوند میدهد. مهم ترین این خواستها عبارتند از: به خاک سپردن کامل رژیم منفور چندجنگ ارساله شاهی و استعرا جبهه پوری متکی بر اراده خلق، قطع کامل نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال ملی، محو دیکتاتوری و برقراری دموکراسی بی گیر و بالاخره انجام یک تحول بنیادی به سود زحمتکشان.

اهم خبیتی که تشر اکثریت شرکت کنندگان در فرآیند موم را منعکس می کند پیروزی جمهوری اسلامی را در فرآیند غلبه مستضعین بر مستکبرین اعلام می کند و خواستار آنست که هر آنچه از رژیم طاغوتی برجای مانده زیر و رو شود.

دیگر رهبران مذهبی و سیاسی نیز که در تأیید جمهوری اسلامی سخن گفته اند، تأکید کرده اند که منظور استعرا احکام مترقی و آزادی خواهانه ای است که به مراب از دموکراسی های عربی فراتر خواهد رفت. همه آنان وعده تحول اساسی اجتماعی - سیاسی به سود زحمتکشان و در جهت طرد کامل نفوذ امپریالیسم داده و هیچ یک حمایت از طبقات استثمارگر را آشکارا به عهده نگرفته اند.

رأی ۱۸ میلیون ایرانی پشتوانه استوار چنین تحول بنیادی است؛ تحولی که استثمارشوندگان را بر استثمار کنندگان پیروز گرداند.

مقامات دولت موقت انقلاب اسلامی و عده ای از سایر رهبران انقلاب، انجام وعده های خود را معمولاً موکول به فرصت می کنند. در این که چنین فرصتی ضروری است نمی توان تردید کرد. زیر و رو کردن جامعه کهن و بنا کردن جامعه نوین - اگر چنین فصدی باشد - فرصت می خواهد. اما فرصت زمانی سودمند است که برنامه ای برای تحول بنیادی در میان باشد و انجام آن آغاز گردد. و گرنه فرصت بهر خواهد رفت.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که موضع خود را درقبال فرآیند روشن کرد و به جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. حزب ما به همراه آن، ضرورت تحول بنیادی جامعه را نیز متذکر شد و برنامه خود را برای چنین تحولی تدوین نمود و منتشر کرد. ما معتقدیم که این برنامه علمی و روشن بهترین راه انجام تحولی است که وعده آن به مردم داده شده است. با این حال ما صادقانه آماده ایم تا هر پیشنهاد منقالبی را در این باره با دقت تمام بررسی کرده و روی برنامه مشترکی با همه نیروهای صدیق انقلابی به توافق برسیم و برای انجام این برنامه مشترک با تمام قوا بکوشیم.

اینک پس از پیروزی بزرگ مردم ایران در فرآیند موم، زمان تدوین و تصویب قانون اساسی است. باید همه دستاوردهای انقلاب و خواستهای مشترکی که میلیون ها ایرانی را به پای صندوق فرآیند کشانید - از جمله و به خصوص استقلال، آزادی، تحول بنیادی به سود زحمتکشان - در قانون اساسی منعکس شود و این قانون در فضای کاملاً آزاد و با شرکت وسیع توده های مردم تدوین شده و به تصویب برسد. ما برای مشارکت فعال در این امر آماده ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۲ فروردین ۱۳۵۸

پیام شادباش

از سوی روزنامه طریق الشعب، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق به هیئت تحریریه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی،
کمونیست ها و ترقی خواهان اخبار مربوط به انتشار علی «مردم»، ارگان مرکزی حزب برادر شما را با نهایت خشنودی دریافت کرده اند. این گامی است بسیار مهم در جهت تأمین آزادی های دموکراتیک برای همه نیروها واحزاب میهن پرست و ترقی خواه در ایران نوین، و توده های مردم را در جهت پیشاهندان خود و به سوی اتحادیه های صنفی و دیگر سازمان های حرفه ای و اجتماعی بسیج می کند.
پنیرش آزادی مطبوعات، و در رأس آن مطبوعات حزبی، و هدایت رسانه های گروهی در جهت منافع وسیع ترین توده های مردم نشانه و سنگ محکی است برای جدی بودن هر انقلاب خلقی در پایداری در برابر دشمنان مردم و در برد به خاطر پیشبرد انقلاب در راستای که به هدف های خود در امر سازندگی و

بقیه در صفحه ۴



به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهند

رفقا: محمدعلی عنوئی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر سوم از سمت راست، پای صندوق) آصف رزم دیده نامزد کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر دوم از سمت راست) رضا شلتوکی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر اول از سمت راست)

گره را بادست باز کنید

در لحظاتی که این سطور را می نویسیم خبرهای ناراحت کننده ای از گنبد کاووس می رسد. پس از چند روز زد و خورد خونین و به قول دوست برخی از روزنامه ها «جنگ دوره» که در آن منظمه جریان داشته و بسیاری کشته و زخمی به جا گذاشته، اینک نیروهای ارتشی شهر را محاصره کرده و اتمام حجت کرده اند. ادامه این وضع می تواند عواقب شومی به بار آورد.

منطقه مناطق ترکمن نشین شمال تنها منطقه ای نیست که در آن زد و خوردهای خونین جریان یافته و عده ای از هم میهنان ما - که می توانستند سازندگان ایرانی آزاد باشند - به جهت به خاک و خون خفته اند. نظیر این حوادث چندی پیش در کردستان، بلوچستان، خوزستان نیز رخ داد.

تردیدی نیست که حل مسئله ملی در کشور کثیرالمله ای مانند ایران آسان نیست. ما در هر زمینه ای که بگیریم، ارت بدی از حکومت جبار سلطنتی برده ایم. در موضوع حقوق خلق ها نیز ارتی نه داریم شوم است. طی صدها سال فرمانروایان جبار خلق های ایران را از هم جدا کرده و به جان هم انداخته اند. در کنار دوستی ها، محبت ها و همبستگی متقابل که حاصل قرن ها نبرد مشترک و سازندگی مشترک خلق های ما است، سوءتفاهمات و دو نالگی ها نیز کم نیست. بر همه این ها به آسانی نمی توان غلبه کرد و لذا تلاش برای درک متقابل و کوشش برای حل این مسئله دشوار با صبر و شکیبایی امری ضروری است. حقوق خلق های ایران درست از همان مسائل و گره های است که با انگشت تدبیر می توان گشود ولی با دندان نمی توان.

دشواری مسئله و لذا ضرورت رفتار مدبرانه و خونسردانه، بویژه از اینجاست که دشمن مشترک خلق های ایران یعنی امپریالیسم و شمال آن لحظه ای بیکار نیست. همه می دانند که در کردستان عمال امپریالیسم بودند که حادثه آفریدند. مردم به چشم دیدند که عده ای از افسران و درجه داران و عناصر مشکوک یک گلوله به سوی مردم و یک گلوله به سوی پادگان تیراندازی می کردند تا جنگ را شدت دهند.

این دو به هم زنی آشکار باید برای طرفین ذینفع درسی باشد که میدان به این عوامل ندهند.
خلق های ایران ستم دیده اند. درد آن ها قابل درک است. حتی نگرانی آن ها از این که مبادا این بار نیز حقوقشان پایمال شود می تواند مفهوم باشد. مارگریده از ریمان سیاه سفید می ترسد. لذا کسانی که خواستار حل مسئله خلق ها بر مبنای دموکراتیک و ایجاد آرامش واقعی و تفاهم میان خلق های ایرانند، باید این واقعیت را در نظر بگیرند که توجه کنند که تنها راه حل مسئله اینست که حقوق کامل این خلق ها و برابری آن ها در چارچوب تمامیت ارضی ایران پذیرفته شود. به نظر ما هر قدر دولت موقت انقلاب اسلامی در اعلام پذیرش این حقوق سرعت بیشتری به خرج دهد تدبیر بیشتری به کار برده، و خدمت بزرگتری به کشور کرده است. امروز و فردا کردن بردشوازی ها می افزاید. رهبران خلق های تحت ستم نیز به نوبه خویش وظیفه دشواری به دوش دارند. نمی توان با سبیل حاد رفت هنوز امکانات فراوانی برای حل مسئله از طرق مسالمت آمیز وجود دارد. باید کوشید که مسئله بزرگ و پیچیده حقوق خلق ها در چارچوب مبارزات شد امپریالیستی حل شود و حل آن به تحکیم مواضع انقلاب ایران کمک کند.

شادباش روزنامه کمونیست های آلمان به مناسبت انتشار دوره جدید «مردم».

روزنامه اوزره تسیتونگ ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان طی نامه محبت آمیز و برادرانه ای انتشار دوره جدید «مردم» را در شرایط آزاد به کمیته مرکزی حزب توده ایران و به کارکنان «مردم» تبریک گفته است.

رفقای حزب کمونیست آلمان در این شادباش از مبارزات طولانی، دشوار و فداکارانه «مردم» در گذشته و بویژه در شرایط پنهانی یاد کرده و ابراز امید کرده اند که دموکراسی در ایران آنچنان ریشه گیرد که هرگز خطر بازگشت به آندوران نباشد.
کارکنان اوزره تسیتونگ استواری ایندهولوژیکی و پختگی سیاسی «مردم» را طی این سال ها ستوده اند.

مردم. ما از صمیم قلب از رفقای کمونیست آلمانی به مناسبت این شادباش گرم تشکر می کنیم.

تشدید فعالیت

مائوئیست‌ها

تشدید فعالیت مائوئیست‌ها در ایران، در رابطه با اسنادی که در سفارت اسرائیل در تهران به دست آمده و از همکاری ایادی و جاسوسان یکن و اسرائیل و محافل مائوئیستی ایران علیه جنبش‌های انقلابی منتهی و به ویژه انقلاب ایران و فلسطین پرده برمی‌دارد، وظیفه یک مبارزه جدی و افشاری بی‌کبر را برای رسوا کردن این دشمنان نواب‌دار خلق و طرد کامل آنها، در برابر کلیه نیروهای ملی و آزادی‌خواه قرار می‌دهد. امام خمینی پنجشنبه گذشته به‌انفای عناصری پرداخت که مقاصد امپریالیسم امریکارا در زیر جبهه‌چپ‌نمائی از پیش می‌برند. امام کت که این چپ - نمایان با نفاق‌دکنی و کارشکنی می‌خواهند کشته را دوباره برگردانند. این هشدار امام، نقش زهر آگینی را که مردمان و منافقان جنبش انقلابی مردم ایران، زیر علم مارکسیسم و با دعوی چپ‌پرایی به‌عهده گرفته‌اند، برملا می‌کند. در واقع این دسیسه‌چینی‌ها از یک سیاست جهانی است که در یکاکنی و همکاری با مترجم‌ترین محافل امپریالیستی، ژادپرست ازیکسو و تأیید و حمایت نوجه دیدناتورهائی نظیر شاه سابق ایران و پیوتوشه‌ها و سرسپردگانی چون انورسادات، سلطان قابوس، جعفر نیری و مویوتو، جلوه‌های مختلف خود را نشان داده، در تأیید و تشویق پیمان‌های نظامی و دسپندنی تجاوزگری نظیر سننو و ناتو و در لک‌رشی علیه خلق آنکسولا در کنار مزدوران انگلیسی و امریکائی و ارتش ژادپرستان افریقای جنوبی انحطاط عمیق خود را نشان داده و در هجوم وحشیانه توأم با قتل‌عامها و آتش‌سوزی‌ها به‌ویتام مسلح‌جو، ورشکستگی اخلاقی، سیاسی و ایدئولوژیک خود را به اثبات رسانده است.

مائوئیست‌های ایرانی، عاملان و سیاه چنین سیاستی هستند، اما به‌خاطر رسوائی غیرقابل دفاع مائوئیسم به‌زیر ماسک‌های مختلف و نام‌های دیگر پناه برده‌اند. ماسک و نام آن‌ها هرچه باشد، صفت مشخص و بارزترین وجه هویت آن‌ها ضدمارکسیست بودن آن‌ها است. آن‌ها جرأت دفاع از چنین رفتارند، اما در اجرای این‌خواست خود، به‌شوروی می‌تازند، جرأت حمایت علنی از ارتجاع ایران را ندارند، اما در عوض با حمله و کین‌ورزی به حزب توده ایران، این ماموریت را از پیش می‌برند. آن‌ها همان‌طور که در عرصه جهانی به‌مارکسیست‌ها خنجر زده‌اند، در داخل ایران در هر فرصتی که تمییزشان شده، شمشیر آخته به‌سم خود را برفرق نهضت مترقی و جریان‌های انقلابی فرود آورده‌اند، توطئه‌چینی در داخل‌سازمان مجاهدین خلق ایران بقصد تسخیر این سازمان را در حساس‌ترین لحظات نبرد با دیکتاتوری و امپریالیسم، منجر به‌انفجار مخرب و انتساب‌کرانه در داخل این سازمان پیکارجو و نیز قتل جنایت‌کارانه تنی چند از رهبران مؤمن و صدیق آن شد، نمونه‌ای از این دست است.

نگاهی به کانون‌های

خلق‌های عرب برای رفع واقعی منافه و بالاخص خروج اسرائیل ارتمام سرزمین‌های عربی و رعایت و احیای حقوق متروغ فلسطینی‌ها، از جمله حق استقلال و تاسیس دولت فلسطینی پشتیبانی کرده است و خواهد کرد.

کانون تشنج دیگر

چین مائوئیست که پس از سفر تنگ شیائونینگ به‌امریکا و ملاقات‌ها و موعنوعات وی با مقامات کاخ سفید و یک سلسله دیدارهای دیپلماتیک دیگر، به حمله چنکیزاسا لکن نا موفق علیه جمهوری دموکراتیک و ضدامپریالیست ویتنام‌بازدرد وررید نانون منافه و تشنج جدیدی در خاوردور ایجاد کرد که احتمال گسترش آن در لائوس و جمهوری خلق کرده نیز می‌رود. به گزارش آسوشیتدپرس دولت جمهوری ویتنام چین را به ادامه اشغال سرزمین‌های خود متهم کرد و اعلام داشت که تنها شرط گت و گو برای عادی کردن روابط دو کشور، خروج سربازان چینی از ویتنام است. وزارت امور خارجه ویتنام در یادداشتی که برای چین ارسال داشت اعلام کرد که هنوز ده نقطه از خاک ویتنام در اشغال نیروهای چینی است. در یادداشت همچنین آمده است که چینی‌ها هنوز نیروهایی در مناطقی از استان‌های شمالی ویتنام و لائوس متمرکز کرده‌اند. از طرف دیگر به گزارش یونایتدپرس، منابع رسمی در هنگ‌کنگ اعلام کردند که در پی هجوم چین به جمهوری دموکراتیک ویتنام، جمهوری دموکراتیک کره مواضع مرزی خود را مستحکم کرده است. روزنامه چینی‌زبان هینگ پالوگ که در هنگ‌کنگ چاپ می‌شود نوشت که جمهوری دموکراتیک کره اخیراً مواضع خود را در امتداد رود مرزی یالو تقویت کرده است تا از تهاجم و تجاوز احتمالی مائوئیست‌های چین ممانعت به‌عمل آورد. این منابع همچنین اعلام کردند که در یک منطقه ده میلی‌متری مخفیگاه‌های زیادی ایجاد شده است و نقل و انتقال‌های مکرری دیده می‌شود. به‌نوشته این‌روزنامه سربازان کره شمالی شبکه کاملی از سنگرها، جان‌پناها همچنین تونل‌های زیرزمینی برای کارگشتن مسلسل‌ها و توپ‌های سنگین احداث کرده‌اند!

آلاله‌ای که پیام بهار را داد و رفت

«با حزب توده تاریخ و سرگذشت شگرفی همدوش است. چیزی هم‌روزه و پرجاذبه، چیزی به تبرک روزبه و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می‌زند، چیزی شبیه موج و توفان...»

آمد. عشق به مردم رفق و نیرویش بود، عشق به عدالت و آزادی زرم نفوذناپذیری بود که از ایمان او محافظت می‌کرد. ساواک که در جود او دشمنی آشتی‌ناپذیر برای خود و دوستی پرشور برای زحمتکشان، با قلبی به‌حجم تاریخ همه مردم، کشف کرده بود، کبر به‌فشن بست، چند روز پس از آنکه آزادش کرد، با دسیسه‌گری مسومش ساخت و جیش را به موج‌های خزر سپرد. این سرباز آورده از دودمان «ارانی» هنگام شهادت ۲۸ ساله بود. او از آخرین قربانیان نظم خونین و عقیم محمدزادشاهی بود.

زیست، تودهای وار مبارزه کرد و تودهای وار شیشه عرش را برسنگ و الاثرین ارزنش - های مردمی گرفت. در مراسمی که روز ۲۵ اسفند ماه گذشته یاران و رفیقانش بر سر خاش برپا کردند، یکی از این داغداران با بعضی فرخورده‌ای خواند:

آیا دوباره خون رفیقان گل می‌دهد، در تنگ کوچ‌ها و حیایان؟ آه، ای سیده، بانگ خروس فتح...

سوکامه‌ای که یاران و همقدمان حجت بر سر مقبره‌اش خواندند، گذری ونظری بر زندگی کسونا، اما پر معنی او بود. عباراتی از این سوکامه را با کم و بیشی که با پرس و جو در پیرامون سیر و سرگذشت و اندیشه او گرد آورده‌ایم، نقل می‌کنیم:

زندگی ساده این معلم تودهای سرمتقی از وفاداری و رزم و ایثار است: رنج بردن در راه آرمانی که از عشق و عطف و خلق و طبقه کارگر، روشنائی می‌گیرد، به‌استقبال زندان و شکنجه و دژخیم رفتن تا از مرگ و خطر برای دیگران عدالت و فتح و لیختن بیافریند، مردن، برای این که زندگی دیگران وست و میقل یابد، چنین است راه و رسم مردی که تودهای

«آلاله ما در دهکده‌ای در اطراف ساری، از میان روستائیان زحمتکش پرخاست. همه لحظه‌های زندگی را با آن‌ها بود: در کنار مزرعه‌ها، در پای خیش و گاواخن، در فصل دوز، در عرق ریزان و جین کردن خاک، در تب و تلاش غرس کردن شاخه‌ها، کنده‌های هیزم را بر دوش به خانه بردن، کنار تئور خانگی نشستن و درس خواندن...»

تعمیرات ابتدائی‌اش را در دهکده زادگاهش گذراند و برای ورود به‌دوره متوسط، راهی شهر ساری شد و سپس به دانشکده ادبیات رفت. استعداد او چون شایسته‌های زادگاهش، سرشار و حاصلخیز بود. بزهدا در ذهن او زود شکوفه و میوه می‌داد. اما در کنار درس‌های دانشگاه، زندگی به او درس می‌داد و حجت به‌تعمیت از این درس‌ها، به‌میدان مبارزه کشانده شد و در این میدان، سنگر حزب توده ایران را انتخاب کرد. این حرف اوست که:

«با حزب توده تاریخ و سرگذشت شگرفی همدوش است. چیزی هم‌روزه و پرجاذبه، چیزی به تبرک روزبه و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می‌زند، چیزی شبیه موج و توفان...»

حجت دلسته صمد بهرنکی بود. این پیام صمد شهید را مدام بر لب داشت که:

چگونه می‌توانیم به‌مردم عشق بورزیم، اما به دشمنانش کینه‌نا داشته باشیم؟

عشق به مردم و کینه به‌خشم آن‌ها تمامی زندگی حجت را پر کرد: باید رفت، باید آستین‌ها را بالا زد و کار کرد.

روش او افشاری، سیاسی و افتادند پذیر تئوری‌های مارکسیستی - لنینیستی بود: همه‌جا، در مدرسه و مزرعه، در شهر، در تاکسی، در صف نانوائی، در خیابان، در مهمانی... عقیده داشت که جهان‌بینی طبقه کارگر تنها امید جهان ماست:

این امید را به‌میان رنجبران ببریم، این امانت را به‌آن‌ها بسپاریم. بدون آن‌ها ما هیچ نیستیم، واقعا هیچ نیستیم رفق.

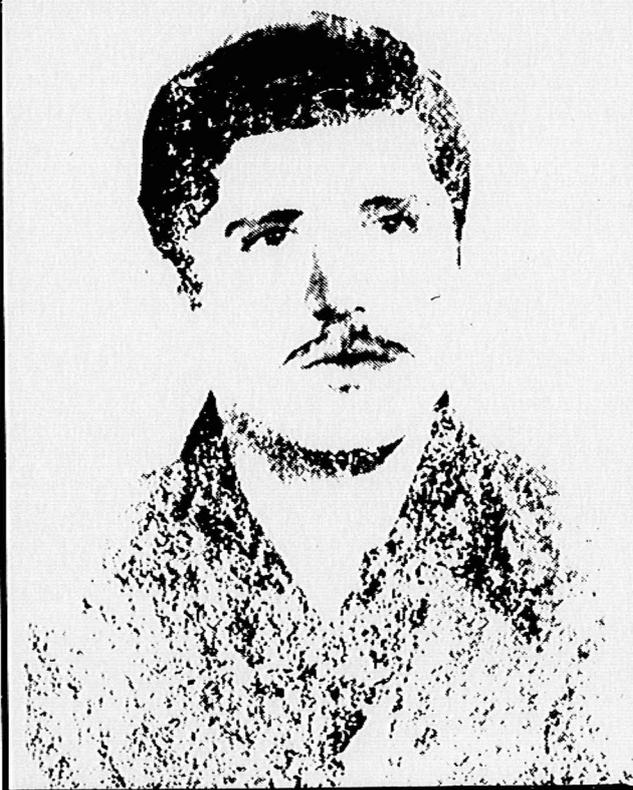
دوبار به‌چنگ ساواک افتاد. و سرانجام بار سوم... مرگ او با طلوع آفتاب تازه در مهین ما همزمان بود، حجت خود طلوع پاک و پر سخاوتی بود... یادش گرامی... از سرمشق‌هایش بیاموزیم...

تزدیکان و یاران حجت برای کشف جزئیات قتل و دستگیری و مجازات‌تانیین ساواکی به‌مراجع قانونی و کمیته‌های انقلاب جان‌پناه کرده‌اند. «مردم» امید و اصرار دارد که مقامات انقلابی به این امر مهم توجه بیشتری مبذول دارند.

تجدید خاطره‌ای از معلم شهید تودهای روستاهای مازندران

در نخستین روزهای پیروزی انقلاب، یکی دیگر از یاران و هم‌زمان ما در سنگر حقیقت و مردم به‌شهادت رسید. حجت‌الله قریبی، دبیر روستاهای مازندران به‌روایت دوستان و شاگردانش ده سوگ او را بر سر مزارش با اندوهی پر از نیرو و خاطره بر گزار کردند «آلاله‌ای بود که پیام بهار را داد و رفت.»

زندگی ساده این معلم تودهای سرمتقی از وفاداری و رزم و ایثار است: رنج بردن در راه آرمانی که از عشق و عطف و خلق و طبقه کارگر، روشنائی می‌گیرد، به‌استقبال زندان و شکنجه و دژخیم رفتن تا از مرگ و خطر برای دیگران عدالت و فتح و لیختن بیافریند، مردن، برای این که زندگی دیگران وست و میقل یابد، چنین است راه و رسم مردی که تودهای



کج رانی

ای جدا از بحر، ای ماهی! کجا؟ روبه‌خشکی‌ها شناداری، شنای؟ هرمت دریا بدل، می‌خواندت. لیک کج رانی، جدا می‌راندت. آبو موج و جنبش جاوید، این مرگ درخشکی ترا دارد کمین، خوش بود با توده‌ها یکتا شدن من رها کردن به‌دریا ما شدن، آن‌که گفتت ایمنی بر ساحل است، گردش نشینی راحت و پا در گل است، گردشی کن در دل گرداب‌ها تا برون آئی ز وهم خواب‌ها. هر که در غرقاب‌های هول جست شجر آغ مردمی آرد بگذست.

فرهاد ره‌آور

زنده باد جبهه متحد خلق برای پاسداری و ادامه انقلاب